

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

استاد محمد نسیم «اسیر»

بُن – المان، جون ۲۰۰۲م

کله کدو

طنز

بار غم جفايت ، کمتر ز کو نباشد اين کوه را کشيدن ، از تار مو نباشد
خونين تر از نگاهت ای فتنه جو ندیدم سنگين تر از فراق ، ای تند خو نباشد
از خوب و زشت هستی ، بسيار آزمودم رنگين تر از جملت ای ماهرو نباشد
بی گفت و گو شکايت از تو چسان نمایم من یک به یک چه گویم، تادو به دو نباشد
شیخم به طعنه هر دم ، سوی نماز خواند من اقتدا نمودم ، او بی وضو نباشد؟؟
شد دُور کج کلاهان ، آمد زمان دستار در جمع ریش داران میل شبو نباشد
شورار نخود نسازی ، از جانی خورم شور لب تر نمی نمایم تا لبلبو نباشد
همسایه شمالی بی دین و بی کتاب است هم کاسه جنوبی کمتر ازو نباشد
من عیب دوستان را ، یا زشت دشمنان را در پشت سر چه گویم تا رو به رو نباشد
کاکا عجب رجب را می گفت و گریه می کرد از یادگار کابل ، حیف است او نباشد
گفتا رجب که او کیست ، این شور و ناله از چیست گفتا که خان وردک ، وان های و هو نباشد
این جا اگر چه مردم سرشار و شاد کام اند اما به خوش مزاجی مانند او نباشد
دارند کاکه بسیار ، هر گوشه ای به خروار کاکه کریم ما نیست ، آبه شبو نباشد
مانند کاکه تیغون ، یک رند پاک بازی در جرمنی نیایی ، در هانولو نباشد «۱»
گر پایمردی ما ، دشمن نمی پذیرد خام است کله او ، بنگر کدو نباشد

طنز «اسیر» هرگز در مغز او نگنجد

این مغز نیست آخر ، ترسم لُذو نباشد «۲»

«۱» نظریه ضرورت شعری یک «لو» از شهرهانولولو لول خورده است.

«۲» در اصطلاح عام ، سرگین گاو ، خر و اسپ را «لُذو» هم گویند.